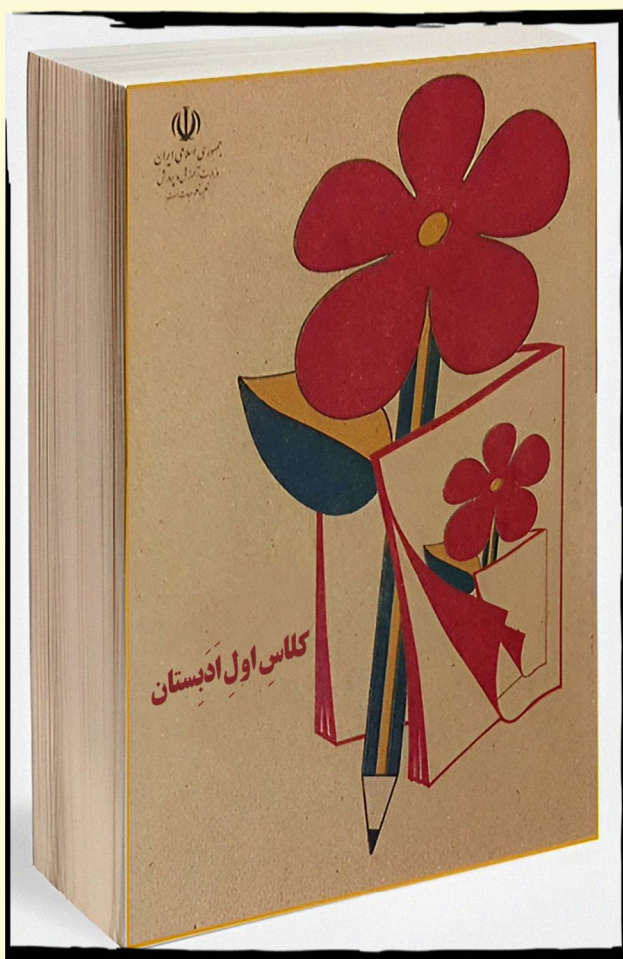




"کلاس اول ادبستان"

هر انسانی بخواد علمی رو، فنی رو، مهارتی رو بیاموزه قاعدتا بایستی از پایین ترین سطحش آغاز کنه وگرنه با اینکه شاید کارش رو راه بیندازه اما جلوتر لاجرم حفره ها و کاستی های فراوانی مقابل خودش خواهد دید مثلاً هرکسی با هر شأن و سن و جایگاهی بخواد زبان خارجی یاد بگیره، بایستی در اول دقیقاً بشینه پای درسی که کودکان اون کشور در کلاس اول میخونن؛ آموزش الفبا و...

هیچ فرقی نمیکنه؛ رئیس جمهور باشه، مرجع تقلید باشه، کارگر باشه و...

همه نقطه ی شروعشون همان "کلاس اول" هست

در ماجرای "ادب" هم این قاعده جاری و ساری هست، به این معنا که آدمی بایستی ادب رو، هم تعلیم ببینه، هم از ابتدایی ترین مسائل شروع کنه وگرنه هر کاری کنه و هر تلاشی کنه، آخر هم یک فرد "مودب" یا "با تربیت خوب" به حساب نیامد، چرا که بین همه مراعات هاش، اولیاتی رو رعایت نمی کنه که دیگه همون رعایت هاش هم بدرد نمیخوره؛

دقیقاً مثل کسی که چند جمله ی خارجی رو حفظ کرده ولی بیش از اون چند جمله هیچ سواد ی نداره و کلاً به اون زبان مسلط نیست بلکه داره ادای زبان دانان رو درمیاره، بزودی آبروش خواهد رفت

حالا بریم تیتروار و خلاصه وار "کلاس اول ادبستان" رو بیاموزیم و عمل کنیم و به فرزندانمون هم بیاموزیم تا عمل کنن (اگر هم سابق پدر و مادر بهمون آموختن، مرورش خالی از لطف نیست)؛

- چه خوبه که مقابل درب واحد حتما یه قالیچه یا پادری انداخته بشه تا بچه ها و بزرگترها پاشون رو که از کفش در میارن بزارن روش و رو زمین نزارن!
که بعد با اون پایی که زمین کثیف رو لمس کرده و فرقی با کف کفش نداره، نیان روی فرش! این رو بایستی هم بزرگترها بیاموزن هم به بچه ها یاد بدن.
همچنین پادری بایستی زود به زود شسته بشه، چرا که بیرون واحد هست و حسابی خاک میگیره، پس خوبه که دوتا پادری داشته باشیم تا وقتی یکیش رو شستیم، جایگزین داشته باشه

- چه خوبه که آدمی کفش هاش رو همیشه تمیز کنه، البته نه فقط بیرون کفش رو! بلکه داخل کفش رو هم، تا بونگیره و باعث بوی بد پا و جوراب نشه، البته کسی که پاش رو وقتی از کفش در میاره روی پادری نمیزاره!

داخل کفشش خیلی آلوده میشه و او همواره در آلودگی قرار داره از ناحیه ی پا...
- بایستی آموخت که؛ پا رو در هیچ شرایطی روی زمین نگذاشت، چه جلوی درب واحد، چه در باشگاه و سالن ورزشی، چه مقابل درب مسجد و حرم و منزل دیگران و هر جا... چون با همون پا آدمی وارد منزل میشه و فارغ از آلوده کردن منزل باعث بد بو شدن فرش های منزل میشه و اگر منزلی فرش هاش آلوده باشه، هیچ وقت بوی خوب و خوشی در اون خونه نمیداد، گرچه ساکنین نفهمن، ولی مهمان ها حتما میفهمن...

- از مهمترین نکات یک منزل دارای افراد مودب این هست که مراقب هستن تا درب سرویس های بهداشتی و حمام همواره بسته باشه، اینجا یک باور غلط وجود داره که گمان میکنند با باز گذاشتن سرویس و حمام رطوبت از بین میره! در صورتی که نمیدونن هوای سرویس پر است از باکتری و وقتی درب باز بمونه باکتری ها از بین نمیرن، بلکه به فضای اتاق و فرش ها و دیوار ها سرایت میکنند و آرام آرام بوی مطبوع از اون اتاق یا خانه بکلی میره، بایستی برای تهویه و خشک شدن درب رو ببندیم و مدتی هواکش رو روشن بزاریم

- حمام و سرویس ها شکی نیست که به شستن و نظافت نیاز دارن اما به همان میزان به ضد عفونی شدن با مایع های مخصوص هم نیاز دارن وگرنه انباشت باکتری ها ضررهای زیادی به اهالی، بخصوص به اطفال خواهد زد

- بچه هایی که در سرویس و حمام همواره تمیز و مطبوع کارشون رو انجام نمیدن! هر قدر هم کلاس زبان برن! انگلیسی صحبت کنن! عشوه بیان و هزار ادا و اطوار دیگه! هیچ وقت به لحاظ ادب نرمال نخواهند شد، بلکه ناگفته بهشون تعلیم داده شده که درون و پنهان مهم نیست، بلکه بیرون رو به تظاهر حفظ کن

- بچه ها بایستی از پدر و مادر بیاموزن هنگامی که در راهرو، لابی یا دیگر مشاعات ساختمان ها هستن آرام صحبت کنن و همه جارو داخل منزل خودشون ندونن!

بخصوص در ساعات استراحت و نیمه شبها که تردد میکنند، بایستی در نهایت

به آهستگی حرکت کنن و صحبت کنن که حفظ حریم دیگران از ابتدایی ترین اصول آداب مند بودن به حساب میاد

- از اولیات آداب این است که آدمی تا ازش سوال نشده خودش رو نندازه وسط! تا ازش نظر نخواستن نظری نده، اگر احساس کرد که بایستی وارد بحث بشه، اجازه بگیره؛ مثلاً بگه ببخشید اجازه هست من هم نظر بدم؟

- یکی از مهمترین خصوصیات انسان های مودب این هست که بشدت مراقبن تا با فرزندان دیگران چطور مواجه بشن؛

چرا که آسیب زا بودن نسبت به فرزندان دیگران خیلی راحت رخ میده؛

از جمله اینکه؛ چه حرفی به بچه ی دیگران بزنن

با چه لحنی

با چه طرز نگاهی و ...

مثلاً از بی ادبی ها و حفظ حریم خود نکردن ها این هست که خود سر به بچه ی مردم (ولو بچه ی خواهر و برادر حتی) بدون هماهنگی و اجازه از والدینش خوراکی بدن!!!

بسیار رخ داده که پدر و مادر اصیلی با کلی تلاش مراقبت کردن تا فرزندشون اهل خوردن هله هوله و مواد غذایی کم ارزش نشه، ولی کسی از راه رسیده به هر دلیلی اسمارتیس داده! شکلات داده! کاکائو داده و هر چیزی بدرد نخور دیگه ای که کلاً ذائقه ی بچه ها رو خراب میکنه و همه ی زحمات و برنامه ی والدین رو به باد دادن رفته...

بی ادبی و جهالت از این بالاتر هم هست!؟

حق الناس و حماقت از این بالاتر هم هست!؟

حتی انقدر "اصالت و فهم و تعقل" کم و کمتر شده که تو حرم ها و اماکن مذهبی هر دو قدم یه آدم گنده میاد، نیشش و باز میکنه و ژست بابانوئل اسلامی میگیره جلو بچه ی کوچیک و میگه یه چیز خاصی برات دارم! و از جیبش یه شکلات در میاره و میده به بچه ی مردم تا نزد خودش خیالش راحت بشه که آدم خوب و مهربونی هستم!

بچه هم لابد تو دلش میگه احمق! تو نفر صدم بودی که خواست منو سورپرایز کنه با شکلات و خوردنی!

- همچنین اینکه چه نوع کلماتی با بچه های دیگران داشته باشیم هم تقسیم میشه به مودبانه و بی ادبانه؛

مدل لباس بچه ی مردم

سایز لباس بچه ی مردم

رنگ لباس بچه ی مردم

برند لباس بچه ی مردم

هر چیه لباس بچه ی مردم

به شما هیچ ربطی نداره والا بخدا!!!

اوج بی ادبی این هست که بچه ی مردم از پدر و مادرش حرفهایی که نشنیده
رو از غیر بشنوه! مثلاً به بچه ی مردم بگید؛ لباس بزرگته!

یا کوچیکته!

یا بهت نمیدا!

یا ارزون خریدی!

یا گرون خریدی!

اندازه موی بچه مردم

مدل موی بچه مردم و... همونطور

طفلک بچه ها! که چقدر باید بین بزرگترهای "بی ادب" باشن و تازه مودب هم
بمونن!!!

بچه های پدر و مادرهای بی ادب و "فضول" همون ظالمان فردای بچه گیشون
خواهند شد...

همونطور که بچه های پدر و مادرهای بی ادب و اهل "غیبت" همون کینه ای ها
و عقده ای های فردای بچه گیشون خواهند شد...

بگذرم

- از عجایب "تمیزی"، که مربوط میشه به "کلاس اول ادبستان" این هست که
آدمی که به تمیزی لباس و ظاهرش، و زیر لباس و بدنش، اهمیت نمیده، به
خاطر این هست که اصلاً اهل تمیز و زلالی "باطن" نیست، گرچه اعمال دینی رو
هم کنترات دائم انجام بده...

و همچنین آدمی که فقط به تمیزی لباس و ظاهر اهمیت میده، نه بدن و قبلش
روح، علاوه بر بی ادب بودن، دورو هم هست...

- یادش بخیر! یک زمانی خیلی از انسانها بوی خوش میدادن! حالا یا ادکلن یا
عطر، ولی بوی خوشی داشتن، چهره ی خوشایند و بشاشی داشتن؛
آخه به تمیزی باطن هم میپرداختن و این تمیزی به "جسم و لباس" هم سرایت
می کرد...

والا این حدّ از بوی خوش ندادن و استفاده نکردن از عطر و ادکلن طبیعی
نیست، یعنی آدمی داره به سمتی غیر از آدمیت میره؛ لابد حیوانیت...

- نگاه تند و تیز کردن به دیگران! زُل زدن به دیگران! مدام نگاه کردن به آدمها!
برانداز کردن دیگران و هر نوع نگاهی که آزار دهنده باشه به تمامه نشانه ی این
است که آن فرد "کلاس اول ادبستان" رو هم پاس نکرده چه برسه به مراتب
بالتر آداب رو که لاجرم فرزندانش هم به همین رویه خواهند رفت و همچنین
فرزندان فرزندانش، و این مرز پر گوهر پُر خواهد شد از بی ادبی توسط بی
ادبان...

اینکه گفته میشه انسان مودب رو میشه از نگاهش شناخت، کاملاً درسته

در یک جمله؛ نگاه بایستی تمیز باشه، نگاه تمیز از ادب هست

- یک سوء فهمی که در این دهه ی اخیر بخصوص بین خانم ها شیوع پیدا

کرده و یک "بی ادبی" به حساب میاد، این هست که گمان می کنن بایستی در مهمانی های داخل منزل هم کفش! یا صندل! بپوشن!!!
یعنی روی فرش! کفش و صندل بپوشن!!!
خوب چه فرقی کرد با بیرون!

اون کفش و صندل مهمانی برای منازلی هست که اصطلاحاً دیزاین مدرن دارن و از فرش استفاده نمیکن، نه اینکه چون مهمانی هست پس می تونیم روی فرش با کفش و صندل مهمانی، قدم بزنیم!
موضوع جایی غم انگیز و رقت بار میشه که آدمی به قدری از ادب و فرهنگ اصیل ایرانی دور باشه که با کفش و صندل و دمپایی روی فرش دستبافت! راه بره!!!

له کردن یک اثر هنری که سالها با هزاران زحمت و دقت، چشم و دستهای هنرمندی براش مصرف شده...

پدر و مادری که هنر شناس، فرهنگ شناس نباشن، بچه هاشون چه خواهند شد!؟

پدر و مادر مودب همان پدری و مادری هستن که میتونن از فرهنگ و هنر سرزمینشون برای فرزندانشون صحبت کنن با افتخار، تا عرق ملی و رگ میهن دوستی نسل به نسل و سینه سینه انتقال پیدا کنه؛

مادر مؤدب توان داره از خط و شعر و نقاشی و دوختنی و بافتنی و... سرزمینش برای فرزندانش بگه

پدر مؤدب توان داره از فرش و معماری و مینیاتور و صنایع دستی و هنرهای تجسمی و مینا کاری و... سرزمینش برای فرزندانش بگه
وگرنه اینکه به بچه یاد میدن به گربه بگو کت
به سگ بگو داگ

به سوسیس داغ هم لابد بگو هات داگ و بعد بخورش!
از هر انسان دم دستی و تازه به دوران رسیده ای بر میاد...
القصه کلاس اول ادبستان بیشتر حول موضوع "تمیزی" قرار داره؛
پیامبر عزیزمون فرمودند؛

"به تمیزی اهمیت بدهید و شبیه یهودی ها نشوید"
و در جای دیگری فرمودن؛

"خیلی از امت من شبیه یهود خواهند شد..."
حافظا علم و ادب ورز که در مجلس شاه
هر که را نیست ادب، لایق صحبت نبود...

